

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)  
سال سی ام، دوره جدید، شماره ۴۵، پیاپی ۱۳۵، بهار ۱۳۹۹ / صفحات ۳۳-۹

## مناسبات ایران و چین در دوره ساسانی و تأثیر آن بر فرهنگ چین با استناد به منابع چینی<sup>۱</sup>

حمیدرضا پاشازانوس<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۹

### چکیده

به طور کلی مناسبات چین و ایران در دوره ساسانی را می توان به دو دوره تقسیم کرد: از ابتدا تا حکومت یزدگرد سوم و از حکومت یزدگرد و پناهندگی بازماندگانش به دربار تانگ در چین. روابط چین و ایران پیش از حکومت یزدگرد سوم ساسانی به لحاظ تأثیر آن بر فرهنگ چین از اهمیت بسیار برخوردار است، اما تاکنون پژوهش مستقلی در این زمینه در ایران صورت نگرفته و تنها در چند مقاله به سیر کلی مناسبات ایران و چین در دوره ساسانی پرداخته شده است. این امر به دلیل دسترسی اندک محققان ایرانی به متون تاریخی و داده های باستان شناسی در چین است. از این رو، در مقاله حاضر تلاش شده است تا با روش گردآوری اطلاعات از میان داده های باستان شناسی و به صورت کتابخانه ای از معتبرترین متون چینی مربوط به ساسانیان، به بررسی مناسبات این دو تمدن در دوره ساسانی و تأثیر ساسانیان بر فرهنگ چین پرداخته شود. مدعای اصلی نویسنده آن است که به دنبال روابط سیاسی- فرهنگی دربار ساسانیان با دربار سلسله های چینی، به میزان بسیار زیادی بین مایه های فرهنگ ایران ساسانی، به ویژه در زمینه پوشش، کالاهای لوکس و دیگر عرصه های هنری وارد فرهنگ چین شده و بر آن تأثیر گذاشته است.

**واژه های کلیدی:** ایران، چین، ساسانیان، مناسبات، فرهنگ

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.24421.1912

۲. استادیار گروه تاریخ و ایران شناسی دانشگاه اصفهان؛ h.pasha@ltr.ui.ac.ir

#### مقدمه

دوره حکومت ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱م) در ایران با دوره‌های «سه پادشاهی» چین (۲۲۰-۲۸۰م)<sup>۱</sup> یعنی سلسله جین (۲۶۵-۴۲۰م)،<sup>۲</sup> سلسله‌های جنوبی و شمالی (۴۲۰-۵۸۹م)،<sup>۳</sup> سلسله‌های سوئی (۵۸۱-۶۱۸م)<sup>۴</sup> و تانگ (۶۱۸-۹۰۷م) مصادف بوده است.<sup>۵</sup> تنها از اواخر دوره ساسانی با روی کار آمدن سلسله تانگ، چین دوباره متحد شد و پیش از این سلسله، حکومت ساسانی بیشتر با حکومت‌های شمالی چین در ارتباط بوده است. براساس گزارش‌های منابع، زمینه‌ها و شیوه‌های تماس بین این دو تمدن در دوره ساسانی را می‌توان به چهار شیوه روابط تجاری، روابط سیاسی بین دربارهای شاهنشاهان ساسانی و امپراتوران چین، رواج ادیان غیرچینی توسط نخبگان ایرانی در چین و نفوذ فرهنگ و هنر ایرانی در چین - که غالباً توسط ایرانی تبارهای ساکن در چین و سغدیان به چین انتقال یافته بود - تقسیم کرد. با توجه به اینکه واکاوی هر یک از این چهار شیوه تماس و برهم‌کنش فرهنگ‌های چین و ایران در دوره ساسانی در اینجا ممکن نیست، در این قسمت تلاش شده است تا روابط سیاسی و فرهنگی چین و ایران در دوره ساسانی پیش از حکومت یزدگرد و تأثیر آن بر فرهنگ چین بررسی شود.

مطالعه متون دودمانی و رسمی چینی، متون ادبی تانگ و یافته‌های باستان‌شناختی کمتر بررسی شده عصر تانگ، نشان می‌دهد که نفوذ فرهنگی ایران در چین توسط طبقه نخبه دو تمدن شکل گرفته است. یکی از راه‌های این نفوذ، تبادلات سیاسی دربار ساسانی با حکومت‌های معاصرش در چین بوده است. روابط سیاسی ایران و چین به شناخت طبقه نخبه حاکم در دو سرزمین از یکدیگر و بالطبع گسترش تعاملات فرهنگی منجر شد. با توجه به اینکه تاکنون در پژوهشی مستقل به تأثیر نفوذ فرهنگی ایران ساسانی در چین در پی تبادلات سیاسی، فرهنگی و تجاری بین دو کشور پرداخته نشده، در نوشتار حاضر تلاش شده است تا زمینه‌های نفوذ فرهنگی ساسانیان در چین بررسی شود.

#### رویکرد نظری

در نوشتار حاضر منظور از فرهنگ، بخش‌هایی خاص و متمایز از سلیقه‌ها و اندیشه‌های هنری،

- 
1. Three Kingdoms, (三國)
  2. Jin dynasty (晉朝)
  3. Southern and Northern Dynasties (南北朝)
  4. Suí (隋)
  5. Tang dynasty (唐朝)

معماری، کلامی و موزیکال، پوشاک، عطریات و دیگر اندیشه‌ها و رسوم نخبگان ساسانی است که بر فرهنگ چین تأثیر گذاشته است.<sup>۱</sup>

این تعریف از فرهنگ مبتنی است بر تعریفی که نورمان یوفی<sup>۲</sup> و جان بینز<sup>۳</sup> در مقاله‌ای با عنوان "Order, legitimacy, and wealth in ancient Egypt and Mesopotamia" در سال ۱۹۹۸ ارائه داده‌اند که به تدریج این تعریف با عنوان «فرهنگ نخبگان»<sup>۴</sup> در بین انسان‌شناسان به عنوان مؤلفه‌های تمدنی در مطالعات تطبیقی تمدن‌ها به کار رفت. در نظر نورمان یوفی و جان بینز مؤلفه‌های تمدنی یا فرهنگ نخبگان به معنی سازمایه‌هایی‌اند که تمدن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کنند؛ زیرا این سازمایه‌های فرهنگی شامل بخش‌هایی منحصر به فرد و متمایز از هنر، اندیشه و دیگر رسوم نخبگان هر یک از تمدن‌ها است (Baines and Yoffee, 1998: 232-). در نظر این دو، تمدن در حقیقت همان فرهنگ نخبگان است (Van Buren, 2000: 3). به باور آنها فرهنگ نخبگان طیفی از هنر و اندیشه را در برمی‌گیرد که مختص طبقه نخبه تمدن‌هاست. در واقع، براساس تعریف هرسکوویتز، وقتی بین گروهی از افراد با فرهنگ‌های مختلف تماس مستقیم شکل می‌گیرد، پیامد آن تغییرات در هنجارهای اصلی فرهنگ یک یا هر دو است (Herskovits, 1938: 10)، تماس فرهنگی بین چین و ایران از اواخر دوره اشکانی و در دوره ساسانی، به ایجاد تغییرات در هنجارهای اصلی فرهنگ چین و ایران منجر شده است. این تغییرات بیشتر در هنجارهای فرهنگ نخبگان چین، به ویژه جنبه هنری آن رخ داده است.

در این مقاله نیز حوزه فرهنگ نخبگان برای بحث و واکاوی تأثیر نفوذ فرهنگی ایران ساسانی در چین انتخاب شده و ساختار نظری این مقاله بر پایه این تعریف از فرهنگ است؛ زیرا اطلاعات قابل بررسی در بحث فعلی شامل هنر، معماری، پوشاک، غذاها، هدایای آیینی نخبگان و طبقه حاکم دو جامعه ایران و چین می‌شود. البته تماس و تعامل فرهنگ‌های ایران و چین شامل فرهنگ عامه<sup>۵</sup> نیز می‌شود، اما بیشتر تماس و تعامل در بین فرهنگ نخبگان دو تمدن قابل بررسی است. گفتنی است مواد فرهنگی به جا مانده به فرهنگ نخبگان دو تمدن محدود بوده؛ به همین دلیل امکان بررسی پهنه وسیع فرهنگ عامه میسر نیست. از این رو، مقاله

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

Baines and Yoffee, (1998), "Order, legitimacy, and wealth in ancient Egypt and Mesopotamia", pp.199-260.

2. Norman Yoffe  
3. John Baines  
4. High Culture  
5. Popular Culture

حاضر نیز به بررسی داده‌های باستان‌شناختی و اطلاعات موجود در متون چینی در مورد جنبه‌های فرهنگ نخبگان از جمله معماری و پوشش محدود شده و امکان بحث و بررسی در پهنه وسیع فرهنگ عامه از جمله دین فراهم نبوده است.

### پیشینه تحقیق

از جمله موضوعاتی که کمتر بدان پرداخته شده، مناسبات سیاسی و فرهنگی ایران و چین پیش از حکومت یزدگرد است. درباره روابط سیاسی ایران و چین پیش از مرگ یزدگرد سوم، تنها چند مقاله وجود دارد. مقاله اسیدی<sup>۱</sup> با عنوان "Early Persian envoys in the Chinese courts" قدیمی‌ترین مقاله مستقل در این باره است. علاوه بر این، می‌توان از مجموعه مقالات ذیل عنوان "Chinese-Iranian Relations" در *دانشنامه ایرانیکا* نام برد. این مقالات تا حدودی به روابط سیاسی و فرهنگی ساسانیان با چین پرداخته‌اند، اما به تأثیر فرهنگی حضور ساسانیان در چین اشاره‌ای نکرده‌اند. برخی از محققان نیز به بررسی داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده در چین پرداخته‌اند. مقالات آنتونینو فورته و دونالد دانیل لزلی<sup>۲</sup> نظیر مقاله "Persian Temples in Tang China" می‌تواند در این زمینه مفید باشد. این مقالات نظیر مقاله دریک<sup>۳</sup> با عنوان "Mohammedanism in the Tang Dynasty" بیشتر به نفوذ دینی ایرانیان در چین مربوط می‌شود و دیگر تأثیرات فرهنگی ساسانیان بر چین از جمله تأثیر ساسانیان بر هنر، پوشش و دیگر شاخصه‌های فرهنگ نخبگان، مورد توجه قرار نگرفته است.

با توجه به موضوع تحقیق حاضر که به تأثیر فرهنگی ایران ساسانی در چین می‌پردازد، به‌طور طبیعی متون چینی مهم‌ترین منابع تحقیق حاضر خواهند بود. از این رو، در این بخش سعی شده است تا این منابع مورد بررسی قرار گیرد. مهم‌ترین متون چینی مجموعه به اصطلاح بیست و چهار تاریخ رسمی سلسله‌ای است که در آن می‌توان اطلاعات جالبی درباره جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران و رسوم و آیین مردم ایران دوره ساسانی یافت. این آثار عبارت است از:

۱. کتاب وی<sup>۴</sup> که تاریخ رسمی سلسله‌ای<sup>۵</sup> سلسله وی شمالی (۳۸۶-۵۳۴م) و همچنین دو

- 
1. Ecsedy.
  2. Donald Daniel Leslie
  3. F. S. Drake
  4. Book of Wei (魏書)
  5. official dynastic history (正史)
  6. Northern Wei (北魏)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۰، شماره ۴۵، بهار ۹۹ / ۱۳

- سلسله بعدی یعنی وی شرقی (۵۳۴-۵۵۰م)<sup>۱</sup> و وی غربی (۵۳۵-۵۵۶م)<sup>۲</sup> محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>
۲. تاریخ دودمان «جو»<sup>۳</sup> گردآوری شده توسط «لینگ هو دفن».<sup>۴</sup>
۳. تاریخ دودمان «سوئی»<sup>۵</sup> گردآوری شده توسط «وی جنگ».<sup>۶</sup>
۴. تاریخ دودمان‌های شمالی گردآوری شده توسط «لی یان شو».<sup>۷</sup>
۵. تاریخ کهن دودمان «تانگ»<sup>۸</sup> ویراسته «لیو خو».<sup>۹</sup>
۶. تاریخ جدید دودمان «تانگ»<sup>۱۰</sup> گردآوری شده توسط گروهی از دانشمندان سلسله «سونگ»<sup>۱۱</sup> به سرپرستی «اویانگ خیو»<sup>۱۲</sup> و «سونگ کی»<sup>۱۳</sup>.
- علاوه بر این شش کتاب که جزو تواریخ رسمی سلسله‌ای چین به شمار می‌روند، کتب ذیل نیز اطلاعات مفیدی درباره ایران باستان، همسایگانش و روابط چین و ایران دوره ساسانی به دست می‌دهند:
۱. تانگ هوی یائو<sup>۱۴</sup> گردآوری شده توسط «وانگ پو»<sup>۱۵</sup> که شامل صد جلد است و در سال ۹۶۱م. به پایان رسیده است.<sup>۴</sup>
۲. فرهنگ اطلاعات جامع<sup>۱۶</sup> توسط «دو یو»<sup>۱۷</sup> طی سال‌های ۷۶۶-۸۰۱م. تألیف شده است.
۳. یوه یان زا زو<sup>۱۸</sup> توسط «دوان چنگ شی»<sup>۱۹</sup> نویسنده دوره تانگ، در قرن نهم میلادی

- 
1. Eastern Wei (東魏)
  2. Western Wei (西魏)
  3. Book of Zhou (周書)
  4. Linghu Defen (令狐德棻)
  5. Book of Sui (隋書)
  6. Wei Zheng (魏徵)
  7. Li Yanshou (李延寿)
  8. Old book of the Tang (舊唐書)
  9. Liu Xu (劉昫)
  10. The new book of the Tang dynasty (新唐書)
  11. Song dynasty (宋朝)
  12. Ouyang Xiu (歐陽修)
  13. Song Qi (宋祁)
  14. Institutional History of Tang (唐會要)
  15. Wang Pu (王溥)
  16. Comprehensive Institutions Tongdian (通典)
  17. Du You (杜佑)
  18. Miscellaneous Morsels from Youyang (酉陽雜俎)
  19. Duan Chengshi (段成式)

نوشته شده است.

۴. دانشنامه زه فو یوان گوئی<sup>۱</sup> گردآوری شده توسط «وانگ کینرو»<sup>۲</sup> (۹۶۲-۱۰۲۵م).

برخی قسمت‌های مربوط به ایران در این متون نیز از کتاب جانگ شینگ لیانگ و ترجمه فارسی آن توسط جان هون‌نین استخراج شده است و از اصل متن چینی هر یک از متون فوق نیز استفاده شده و بدان ارجاع داده شده است.

روابط فرهنگی و سیاسی چین و ایران تا اواخر حکومت خسرو اول (متوفای ۵۷۹ م)

#### ۱. دوره وی شمالی و نخستین تماس‌های سیاسی و فرهنگی

فرضیه رایج این است که برای اولین بار کشوری به نام «بو سی»<sup>۳</sup> در سال ۴۵۵م. سفیرانی را به دربار خاندان وی شمالی در چین اعزام کرده است (جان سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۸؛ Wei Shou, 1974, j. 102: 2243, 2265, 2271; Zhang Xinglang, 1977: 85-94). نخستین بار در کتاب وی به کار رفته است. در کتاب وی آمده: «نام خانوادگی شاه آن کشور «بو» و اسم شخصی او «سی» است». طبق کتاب وی، روابط چین و ایران در اولین سال سلطنت (۴۵۵م) امپراتور گائو زونگ<sup>۴</sup> از سلسله وی شمالی (۳۸۶-۵۳۴م)<sup>۵</sup> از سرگرفته شد (جان سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۸-۵۹؛ Wei Shou, 1974, j. 102: 2243, 2265, 2271; Zhang Xinglang, 1977: 94). متون چینی طی سال‌های ۴۵۵، ۴۶۱، ۴۶۶، ۴۶۸ و ۴۷۶م. تبادل سفیر همراه با هدایای ارسالی از سوی شاهان ساسانی به امپراتوران سلسله وی را ثبت کرده‌اند. اطلاعات مندرج در کتاب وی حاکی از این است که در سال‌های ۵۰۷، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۱ و ۵۲۲م. ساسانیان هیئت‌هایی را نیز به دربار وی شمالی فرستاده‌اند (جان سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۹؛ Zhang Xinglang, 1977: 95).

ایران طی سال‌های ۴۵۵-۵۲۲م. توسط چهار پادشاه یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷م)، پیروز (۴۵۹-۴۸۴م)، بلاش (۴۸۴-۴۸۸م) و قباد اول (۴۸۸-۴۹۶م و ۴۹۹-۵۳۱م) اداره می‌شد. نکته جالب این است که هر چهار شاهنشاه درگیر مرزهای شمال شرقی و جنگ با هیاطله بودند. جلب حمایت امپراتوران چین در این دوره برای جنگ در یک جبهه علیه هیاطله، شاید مهم‌ترین انگیزه برای ارسال سفیر به دربار امپراتوران وی شمالی توسط شاهنشاهان ساسانی

1. Prime Tortoise of the Record Bureau (冊府元龜)

2. Wang Qinruo (王欽若)

3. bosī (波斯)

4. Gaozong (高宗)

5. Northern Wei (北魏)

بوده باشد. از جمله مهم‌ترین این سفارت‌ها، ارسال سفیر همراه با پیام و هدایا توسط پادشاه پارس در اواسط سال‌های شن‌گوئی (۵۱۸-۵۱۹م) به دربار امپراتور شیائو منگ دی<sup>۱</sup> (۵۱۶-۵۲۸م) بوده است. در پیام پادشاه پارس آمده است: «جو خه دو» پادشاه کشور بو سی با احترام فراوان این پیام و هدایا را ارسال می‌کند» (Wei Shou, 1974, j. 102: 2281-2282). این نامه که به احتمال بسیار توسط قباد اول در دوره دوم حکومتش (۴۹۹-۵۳۱م) برای امپراتور چین فرستاده شده بود، در کنار دیگر اطلاعات مندرج در کتاب وی، حاکی از آن است که سفیران ساسانی با نظمی چشمگیر ده بار طی هفتاد سال در فصول مختلف (احتمالاً با اجتناب از زمستان و ترجیح دادن تابستان در شمال چین) و بدون توجه به تغییراتی که در دربار وی رخ می‌داد (برای مثال، درباره شخص امپراتور و دیگران)، به دربار وی شمالی وارد شده بودند (Ecsedy, 1979: 156, 161).

یافته‌های باستان‌شناسی از دوره وی شمالی نیز تبادل سفرا بین ایران ساسانی و سلسله وی شمالی را تأیید می‌کند. معابد غارهای بودایی سلسله وی شمالی در یونگانگ<sup>۲</sup> نزدیک داتونگ<sup>۳</sup> متعلق به سال‌های ۴۶۰-۵۰۵م، همگی دارای عناصری از هنرهای گندهارا، بلخ و شین جیانگ می‌باشند. نقش‌مایه‌های تزئینی ایرانی از جمله نخل زیتنی، نقش درخت انگور، سرستون طوماری، نیم ستون، قاب‌های تزئینی شش ضلعی، حاشیه‌دوزی با جواهرات و طرح‌های گره‌بندی در هنر سلسله وی شمالی، از تفسیر تازه‌ای برخوردار شد (Rawson, 1984: 55-62, 64-65). گویا در دوره سلسله وی شمالی فصل تازه‌ای در تجارت با غرب آسیا و تأثیرپذیری از فرهنگ و هنر شرق نزدیک آغاز شد.

ظروف برنز و نقره‌کاری شده با مشخصه‌های هنر ایرانی-هلنیستی، در «داتونگ» پایتخت سلسله وی شمالی یافت شده‌اند. این ظروف به احتمال بسیار زیاد از نواحی شمال شرقی ایران به چین وارد شده بودند (Carter, 1995: 257-266). یکی از نفیس‌ترین این ظروف بشقابی نقره‌ای با صحنه‌های شکار است (شکل ۱). این بشقاب به احتمال زیاد به یکی از شاهزادگان ساسانی که در شمال شرقی ایران حکومت می‌کرد، تعلق دارد (Watt, 2004: 152). این ادعا با کشف ظرفی مشابه بشقاب فوق در افغانستان تقویت می‌شود (شکل ۲).

---

1. Xiao Ming Di (孝明帝)  
2. Yungang  
3. Datong



شکل ۱: تصویری از بشقاب نقره‌ای ساسانی که دارای نقش یک شاهزاده در حال شکار است. قطر این بشقاب ۱۸ سانتیمتر است و در سال ۱۹۸۱ در مقبره فنگ هتو (Feng hetu) داتونگ، استان شانشی یافت شده است. تاریخ این مقبره به سال ۵۰۴ م. باز می‌گردد، اما بشقاب به احتمال بسیار به اواخر قرن سوم یا اوایل قرن چهارم تعلق دارد (Watt, 2004: 152-153).

پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





**شکل ۲:** تصویری از بشقاب نقره‌ای ساسانی که دارای نقش یک شاهزاده در حال شکار است. قطر این بشقاب ۲۳ سانتیمتر است و به احتمال بسیار در افغانستان یافت شده است. این بشقاب به احتمال زیاد به اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم تعلق دارد (Watt, 2004: 51).

به‌طور معمول این نوع ظروف توسط هنرمندان دربار شاهنشاهان و یا پادشاهان ساسانی ساخته می‌شده است و آن را می‌توان جزو نخستین شواهد تماس مستقیم دربار ایران و چین دانست (Ibid: 152).

این ظروف که در ایران ساسانی تولید می‌شدند و در دربار امپراتوران چین از آنها استفاده می‌شد، از جمله آثار هنری‌اند که نورمان یوفی و جان بینز آنها را در ذیل «فرهنگ نخبگان» یا مؤلفه‌های تمدن دسته‌بندی کرده و نوشته‌اند: فرهنگ نخبگان آثار هنری است که مطابق سلیقه و ذائقه طبقه نخبه و حاکم جامعه تولید می‌شوند تا توسط آنها مصرف شوند

(Baines & Yoffee, 1998: 235). این نویسندگان همچنین اشاره کرده‌اند که این آثار هنری ابزار تفکیک یک تمدن از تمدن دیگر است (Ibid: 235). برخی از این ظروف برنز و نقره‌کاری شده دارای بن‌مایه‌هایی از هنر دوره ساسانی از جمله بن‌مایه گیاهی است. برای نمونه، دو جام نقره‌ای و برنزی منقش به نقش‌هایی از برگ‌های گیاه کنگر و نیم‌رخ صورت انسان در نزدیک داتونگ استان شانشی<sup>۱</sup> کشف شده است (Rawson, 1982: 2). همچنین ظرفی نقره‌ای با صحنه شکار گراز متعلق به سال ۵۰۴ م. که در مقبره ای نزدیک داتونگ پیدا شده است. سبک و طرح نقش شکار این ظرف بسیار شبیه به صحنه شکار پادشاهان ساسانی بر روی ظروف دوره ساسانی و همین‌طور سبک هنری کوشانیان است (Harper, 1990: 51-59). کشف این ظروف در مقابر دربار وی نشان از تأثیر هنر ساسانی در دوره وی شمالی (قرن پنجم میلادی) دارد. همچنین ساخت و صادرات این کالاهای لوکس هنری که خود حاصل تلاش هنرمندان نخبه ساسانی بوده است، منجر به افزایش ثروت می شده است (Baines & Yoffee, 1998: 235). ثروتی که تحت نظارت حاکمان و طبقه نخبه حاکم ایران و چین بوده تا به نفع خود از آن استفاده کنند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های «فرهنگ نخبگان» یک تمدن، تأثیرپذیری آنها از مؤلفه‌های تمدنی یا فرهنگ نخبگان جوامع هم‌جوار در نتیجه تماس فرهنگ‌هاست (Herskovits, 1938: 10). این جنبه از تأثیر هنر ساسانی بر هنر و زندگی نخبگان درباری چین را می‌توان در میزان نفوذ پوشش ایرانیان در بین درباریان چین در زمان دودمان وی شمالی و بعدها نقطه اوج آن را در دوره تانگ دید. پوشش ساسانی به احتمال بسیار زیاد ابتدا طبقه نخبه و اشرافی دربار وی را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه، مجسمه کشف شده در شمال چین که تاریخ آن به سال ۴۵۷ م. مربوط می‌شود. در این مجسمه مادر بودا در حال تولد فرزندش به تصویر کشیده شده است؛ درحالی‌که پیراهنی با آستین تنگ و دامنی بلند پیلی‌دار به مانند پوشش زنان ساسانی بر تن دارد (Siren, 1925: 117). این نوع پوشش که در ایران دوره ساسانی بسیار رواج داشت، در بین زنان اشراف دربار وی شمالی و همچنین دربار پادشاهان کره‌ای رایج بوده است (Mahler, 1959: 19). پوشش پیراهن با آستین چسبان و دامن بلند پیلی‌دار بعدها در زمان امپراتوری‌های سوئی (۵۸۱-۶۱۸ م) و تانگ (۶۱۸-۹۰۶ م) در بین طبقه اشراف چین گسترش پیدا کرد. این امر به دلیل گسترش روابط سیاسی و تجاری با ایران بود که به مرکز مد لباس در آن زمان تبدیل شده بود (Hackin, 1936: 5-13).

## ۲. سده ششم میلادی و تداوم تبادلات فرهنگی ساسانیان با چین

در دهه‌های نخست سده ششم میلادی، در تواریخ دودمانی خاندان‌های جنوبی چین در فصل‌های مربوط به افراد بیگانه و تاریخچه امپراتوری، هیچ نوشته و اشاره مستقیمی به ایرانیان وجود نداشته و به تبادل سفیر اشاره‌ای نشده است (Ecsedy, 1979: 157). شاید دلیل آن این بوده است که ساسانیان امپراتوران وی را به دلیل نزدیکی به مرزهای شمال شرقی خود مهم می‌پنداشتند و نیاز به تماس با خاندان‌های جنوبی نمی‌دیدند. در کتاب *تاریخ دودمان‌های شمالی و تاریخ دودمان جو* اشاره‌ای به ارسال سفیر بین دربار پادشاهان ساسانی با امپراتورانی غیر از امپراتوران سلسله وی نشده است (Linghu Defen, 1971, j. 50: 920; Zhang (Xinglang, 1977: 98-100).

با وجود این، در تاریخ خاندان لیانگ (۵۰۲-۵۵۷م)،<sup>۱</sup> سفیران ایرانی را می‌توان یک دهه بعدتر در دو برهه زمانی در سال‌های ۵۳۳ و ۵۳۵م. دید. (Yao Cha and Yao Silian, 1973, j. 812: 54). هر دو هیئت، به دربار امپراتور لیانگ و (۵۰۲-۵۴۹م) وارد شدند که این امپراتور آیین بودا را به عنوان مذهب رسمی لیانگ اعلام کرد؛ امپراتوری که پایتختش را میزبان راهبان و بازرگانان خارجی کرده بود (Wright, 1959: 51). سلسله وی شمالی در سال ۵۳۴م. به دو حکومت نوپای وی شرقی (۵۳۴-۵۵۰م) و وی غربی (۵۳۵-۵۵۶م) تقسیم شد. این دوره از تاریخ چین مصادف بود با جلوس خسرو اول بر تخت سلطنت (۵۳۱-۵۷۹م) که خود بازگوی اعتلایی در تاریخ ساسانیان است. در این دوره، احتمالاً ساسانیان به دلیل اهمیت تجارت با چین و اختلافات با ترکان نوظهور، در جست‌وجوی یک حکومت قدرتمند و البته قابل اتکا در چین بودند. این امر آنها را به سمت «جیان کانگ»<sup>۲</sup> پایتخت سلسله لیانگ سوق داد (Ecsedy, 1979: 157). ساسانیان بعد از ثبات نسبی در مرزهای شمالی چین، بار دیگر با دربارهای شمالی به تبادل سفیر پرداختند. در همین راستا در سال ۵۵۵م. سفیری را به «چانگ آن» پایتخت دربار وی غربی فرستادند (Pulleyblank, 1991: 424-426).

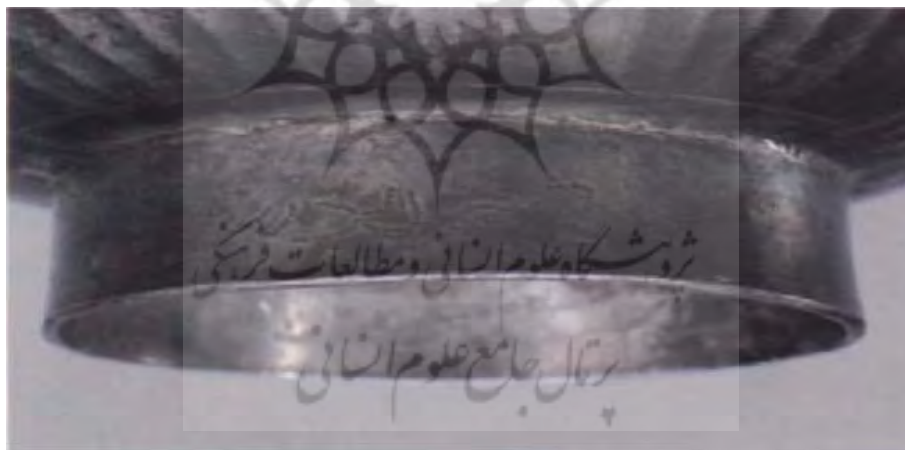
در سده پنجم و ششم علاوه بر روابط سیاسی، تبادلات فرهنگی ساسانیان با چین نیز همچنان تداوم داشت تا در نهایت در دوره سوئی و تانگ به اوج خود رسید. علاوه بر آثار به دست آمده در پایتخت سلسله وی شمالی که همزمان با اواسط دوره ساسانی است، برخی ظروف نقره‌ای نیز در منطقه خودمختار شین جیانگ یافت شده است که به احتمال بسیار در اواسط دوره ساسانی به چین آورده شدند. برای نمونه، پنج ظرف نقره‌ای به سال ۱۹۸۹م. در

1. Liang dynasty (梁朝)

2. Jian kang

یک دفینه در ناحیه چی گو شینگ یانچی<sup>۱</sup> (منطقه خودمختار شین جیانگ) پیدا شدند. از جمله مهم ترین این ظروف، کاسه نقره‌ای دارای نقوشی از شترمرغ است که عناصری از هنر ساسانی و سغدی را در خود داشته و به احتمال بسیار برای طبقه نخبه غرب آسیای مرکزی و شمال غربی چین ساخته شده که این ظرف در بین آنها با ارزش تلقی می شده است (Watt, 2004: 152).

در کنار کاسه منقش به شترمرغ، جام نقره‌ای شیاردار دارای خروجی نیز در ناحیه چی گوشینگ یانچی پیدا شده که بر روی آن کتیبه‌ای پهلوی حک شده است (شکل ۳). با توجه به وجود این کتیبه، به احتمال بسیار زیاد جام فوق در ایران ساسانی ساخته شده است. وزن معمول این نوع جام در ایران دوره ساسانی وزنی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ گرم بوده، اما جام نقره‌ای شیاردار به دست آمده در شمال غربی چین وزنی معادل ۸۲۵,۵ گرم دارد که احتمال ساخت آن برای شخصی بلندمرتبه را قوی تر می کند (Ibid, 186). یکی از مکان‌هایی که تأثیرات هنر نقاشی ایران ساسانی را در چین نمایان می سازد، غارهای منطقه دون هوانگ است. به احتمال بسیار زمینه قرمز نقش برجسته‌های بر روی دیوار و تزئینات مرواریدشکل به کار رفته در معابد بودایی دون هوانگ هر دو اصالتی ساسانی دارند (Bussagli, 1963: 69-94).



**شکل ۳:** جام نقره‌ای شیاردار دارای خروجی که بر روی آن کتیبه‌ای پهلوی حک شده است. قطر آن ۲۰,۵ سانتیمتر است. این بشقاب در کنار چهار ظرف نقره‌ای دیگر در سال ۱۹۸۹م. در یک دفینه در ناحیه کیگشینگ یانگی (Qigexing Yanqi) منطقه خودمختار شین جیانگ چین یافت شده است. تمامی این ظروف به اواسط دوره ساسانی تعلق دارند (Watt, 2004: 186).

---

1. Qigexing Yanqi

اواخر قرن ششم به دو جهت تلفیق عمیق‌تری از عناصر فرهنگ نخبگان ساسانی با هنر و فرهنگ چین دیده می‌شود؛ برای نمونه در ظروف، پوشاک و حتی نقش برجسته‌های بر روی دیوارها و مقابر. این خود ابتدا به دلیل روابط دیپلماتیک نزدیک‌تر بین دودمان وی شمالی و ساسانی بود که به ورود آثار هنری ساسانی به دربار وی منجر شد.<sup>۱</sup> دوم آنکه تاجران سغدی به دلیل ثبات تجاری جاده ابریشم و به دلیل نزدیکی دربار چین و خسرو اول، نقش پررنگ‌تری در انتقال عناصر هنری و فرهنگی ایران ساسانی به شمال غربی چین ایفا کردند. درآمیختگی سنت تدفین سغدیان زردشتی با سنت تدفین چینیان در شمال چین، یکی از نمونه‌های نفوذ سغدیان در چین به‌ویژه از اواخر قرن ششم میلادی است. چنین نوعی از تلفیق هنر چین و ایران در آثار سغدیان چین توسط نخبگان سغدی-چینی، شیوه‌ای مرسوم در به تصویر کشیدن فرهنگشان بوده است که با توجه به ریشه ایرانی سغدیان و اقامت در چین، چنین تلفیقی اجتناب‌ناپذیر می‌نموده است (Baines and Yoffee, 1998: 237) که خود تبدیل به هنجار فرهنگی سغدیان در شمال غربی چین شده بود. برای مثال، استفاده از مقابر زیرزمینی که در آن به مانند شیوه تدفین زردشتیان، تلاش می‌شده است تا از آلوده ساختن خاک جلوگیری شود. همچنین این مقابر منقش به سازمایه‌های فرهنگ ایرانی از جمله محراب آتش همراه با نقوشی از ایزدان ایرانی مانند میترا می‌باشند (Carter, 2005; Watt, 2004: 276-283). البته بیشتر نقش‌ها از نوع نقوش صحنه‌های شکار، جشن و مهمانی است. همان بخش‌های خاص و متمایز از سلاطین و اندیشه‌های هنری نخبگان ایرانی که سغدیان با خود به چین برده و با ارزش‌های خاص چینی تلفیق کرده بودند (Baines and Yoffee, 1998: 237).<sup>۲</sup>

### اواخر دوره ساسانی: اوج تماس و برهم‌کنش فرهنگ‌های ایران و چین

با روی کار آمدن امپراتوری‌های سوئی و تانگ و بالطبع ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در چین، روابط سیاسی و تجاری ایران و چین وارد مرحله جدیدی شد. در آغاز قرن هفتم، خاندان

۱. در دوره خسرو اول نیاز ساسانیان برای تضعیف هپتالیان و ترکان، همواره آنها را مجبور به حفظ رابطه سیاسی با امپراتوران چین می‌کرد (Wei Zheng, 1973, j. 83:149). اطلاعات آمده در شاهنامه فردوسی و برخی کتب مورخان اسلامی از جمله مسعودی در مورد رابطه دوستانه بین خسرو انوشیروان و خاقان چین و اتحاد آنها علیه هپتالیان، به احتمال بسیار اشاره به تبادل سفیر بین دربار ساسانیان و امپراتوران جوی شمالی دارد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۳۶-۲۳۷).

۲. یکی از جالب‌توجه‌ترین این نمونه‌ها مقبره یو هوانگ (Yu Hong) است که نزدیکی تای یوان (Tai yuan) حوالی شهر چانگان (شیان امروزی) در چین به سال ۱۹۹۹ کشف شد. این مقبره دارای طرح‌هایی از جنس سنگ مرمر است که صحنه‌های شکار آن از بن‌مایه‌های ساسانی-زردشتی برخوردارند (Watt, 2004: 276-283).

سوئی نسبت به هم‌پیمانان و پناهندگان ایرانی سیاست رسمی تساهل داشت که به ندرت می‌توان چنین نگاه به خارجی‌ان را در تاریخ چین یافت. این خاندان آغازگر این رویکرد سیاسی جدید بودند که حتی برای نظارت بر اتباع خارجی، اداره‌ای را نیز تأسیس کرده بودند (Ecsedy, 1979: 157). دوره حکومت سوئی و اوایل امپراتوری تانگ در چین مصادف است با حکومت هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م)، خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م) و سال‌های هرج و مرج در شاهنشاهی ساسانی که به سقوط آن انجامید. براساس متون چینی، در این دوره روابط سیاسی همچنان تداوم داشته و به‌ویژه در زمان یزدگرد سوم به اوج خود رسیده است (Ou Yangxiu, 1975: 6258-6260; Liu Xu, 1975: 5311-5313). مطابق با تاریخ دودمان سوئی، در دوره حکومت امپراتور یانگ<sup>۱</sup> از دودمان سوئی، فرماندهی به نام «لی یوه» به عنوان سفیر به ایران فرستاده شد و پادشاه ایران که به احتمال بسیار خسرو دوم بود، به نوبه خود سفیران و هدایایی همراه لی یوه به دربار چین فرستاد (Wei Zheng, 1973, j. 83:149).

یافته‌های باستان‌شناختی نیز بر گسترش تعاملات فرهنگی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی به‌ویژه سده‌های ششم و هفتم تأکید دارند. در نیمه دوم قرن ششم میلادی در دوره حکومت دودمان‌های جو و سوئی، ورود کالاهای گران‌قیمت به چین افزایش یافت. مهاجرت صنعتگران سغدی و بلخی به شمال غربی چین در این دوره افزایش یافت و بر سلیقه و سبک هنری چینیان تأثیر عمیقی گذاشت. اوج حضور صنعتگران اهل سغد و بلخ و همچنین اوج ورود کالاهای غیربومی و گران‌قیمت به چین به ۱۵۰ سال نخست امپراتوری تانگ باز می‌گردد؛ زمانی که چین درهای خود را به روی تاجران و کالاهای مناطق غربی از جمله ایران ساسانی گشود. سیاست درهای باز امپراتوران تانگ باعث شد تا بیشتر تلفیق‌های هنری و فرهنگی نخبگان دو تمدن در نیمه اول امپراتوری تانگ اتفاق بیافتد.

بنا بر نظر کارتر، از زمان امپراتوری سوئی (Suí، ۵۸۱-۶۱۸ م) و تانگ (۶۱۸-۹۰۶ م) نه تنها صنایع هنری چین از هنر خارجی تأثیر گرفت، بلکه موسیقی، رقص و پوشش آسیای غربی و ایران نیز به چین راه یافت (Carter, 2005). برای نمونه، رقص هو هسوان<sup>۲</sup> در اوایل قرن هشتم میلادی برای نخستین بار از سمرقند و سغد -مناطق که تحت نفوذ ساسانیان قرار داشتند- به چین راه یافت (Mahler, 1959: 147-149).<sup>۳</sup> این رقص از فراز و فرودهای خاص

1. Yang

2. Hu-hsüan

۳. از نگاره این رقص بر نقاشی‌های دیواری دون‌هوانگ می‌توان دریافت که ویژگی این رقص چرخش و پرش منظم و یکنواخت آن بوده است؛ ویژگی‌ای که آن را با رقص‌های متداول در چین متفاوت می‌ساخت. همچنین پوشش رقصنده که دارای لباس با آستین‌های چسبان و حاشیه‌دوزی شده بود، نشان دهنده پیوند آن با فرهنگ

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۰، شماره ۴۵، بهار ۹۹ / ۲۳

رقص‌های ساسانی برخوردار بود و در دربار تانگ به همراه ابزارهای موسیقی غرب آسیا از جمله پیا<sup>۱</sup> اجرا می‌شد<sup>۲</sup> و به عنوان یکی از سه هنر منحصر به فرد دربار تانگ بود (Hsichiu, 1992: 18).

افزایش تجارت ساسانیان در مسیر تجارت آسیای مرکزی با چین، از طریق سکه‌های به دست آمده در چین بیشتر مشخص می‌شود. از اوایل قرن بیستم، حدود ۱۹۳۰ قطعه از سکه‌های نقره ساسانی، از جمله سکه‌های عرب-ساسانی در طول حفاری‌های باستان‌شناسی در چین از زیر خاک بیرون آورده شدند (Sun, 2004: 35, 54; Hsia 1974: 91-92). در جدول ذیل اطلاعات دقیق این سکه‌ها آورده شده است:



---

غرب آسیا بود؛ استفاده کنندگان لباس‌های متداول در شرق از آستین گشاد استفاده می‌کردند (Li Zehou, 1988: 179).

1. Pipa (琵琶)

۲. برخی محققان بر این باورند که پیا برگرفته از عود یا بریط ایران است (Myers, 1992: 10-11).

جدول ۱: سکه‌های نقره‌ای ساسانی کشف شده در مسیر جاده ابریشم

(Sun, 2004: 35, 54; Hsia 1974: 91-92)

اسامی پادشاهان ساسانی	زمان پادشاهی	تعداد کشف شده	مکان کشف
شاپور دوم	۳۱۰-۳۷۹ م	۱۴	شهر باستانی گائوچانگ در شین چیانگ
اردشیر دوم	۳۷۹-۳۸۳ م	۱۴	گائوچانگ در شین چیانگ
شاپور سوم	۳۸۳-۳۸۸ م	۶	گائوچانگ در شین چیانگ
یزدگرد دوم	۴۳۸-۴۵۷ م	۴	استان هه‌بی در شرق چین
پیروز	۴۵۹-۴۸۴ م	۴۶۸	لویانگ، استان هنان، چین و غرب چین
قباد اول	۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ م	۱	شین جیانگ، شمال غربی، چین
جاماسب	۴۹۷-۴۹۹ م	۲	استان شانشی در شرق چین
خسرو انوشیروان	۵۳۱-۵۷۹ م	۵	استان شانشی در شرق چین و شین جیانگ چین
هرمزد چهارم	۵۷۹-۵۹۰ م	۱	شین جیانگ، شمال غربی، چین
خسرو دوم	۵۹۰-۶۲۸ م	۱۳۲۸	شمال غربی، چین
اردشیر سوم	۶۲۸-۶۲۹ م	۲	؟
پوران	۶۳۰-۶۳۱ م	۲	شین جیانگ
یزدگرد سوم	۶۳۲-۶۵۱ م	۳	شین جیانگ

سکه‌های فوق همگی در شمال و شمال غربی چین پیدا شده‌اند (Hsia, 1974: 91-92) که با توجه به فاصله زیاد آنها از دریا، می‌توان این‌گونه استدلال کرد که تمامی این سکه‌ها از طریق راه‌های تجاری زمینی بین چین و ایران که از آسیای مرکزی و نواحی سنغد و بلخ می‌گذشت، به چین وارد شده‌اند (Sun, 2004: 35, 54). بیشترین سکه‌های کشف شده متعلق به خسرو پرویز است که با توجه به تعداد آن -۱۳۲۸ سکه- می‌توان این فرضیه را مطرح کرد



که با نابودی هپتالیان در آسیای مرکزی، گسترش نفوذ ساسانیان در دوره خسرو پرویز به ویژه از طریق تاجران سغدی در شمال و شمال غربی چین بیشتر شده بود. سکه‌های نقره ساسانی تأثیر عمیقی بر سکه‌های تانگ داشته‌اند؛ به ویژه خطاطی روی سکه‌های تانگ بسیار شبیه سکه‌های ساسانی است. سکه‌های نقره ساسانی به علت کیفیت‌شان به عنوان هدیه در مراسم‌های آیینی اهدا می‌شدند (Watt, 2004: 326).

طبق گفته بینز و یوفی، هر تمدن سبک هنری خاص خود را دارد و این سبک را می‌توان در بن‌مایه‌های تمدنی یا فرهنگ نخبگان هر تمدن یافت (Baines and Yoffee, 1998: 236-237). انتقال فرهنگ ساسانی در شرق آسیا در این دوره به حد اعلائی خود رسیده بود و به دو گونه مطرح شد. از یک سو، در دوره تانگ نقره‌کاران مهاجر ایرانی و هنرمندان چینی بر یکدیگر تأثیر متقابل نهاده بودند و در نتیجه، نقره‌کاری منحصر به فرد تانگ که با مشابه آن در گذشته فرق می‌کرد، به وجود آمد (Grabar, 1967: 83-84). این نوع انتقال منجر به تلفیق هنری و ایجاد سبکی خاص شد که به سبک هنری تانگ معروف شد. البته در دیگر سو، فلزکاری و نقره‌کاری ساسانیان به ژاپن نیز راه یافت که منجر به تلفیق با هنر ژاپنی نشد و ایرانی باقی ماند. نمونه‌های بسیاری از آثاری هنری ساسانی را در گنجینه شاهی شوسوین<sup>۱</sup> می‌توان دید.<sup>۲</sup> اشیای مختلف این گنجینه عبارت است از: مبل‌ها و آلات موسیقی از چوب‌های گرانبها مرصع به صدف یا اشیای زرین و برنزی در جعبه‌ها و صندوقچه‌ها که با زرگری ساسانی بستگی دارند (Hayashi, 1975: 85-103; Fukai, 1968: 117-118).

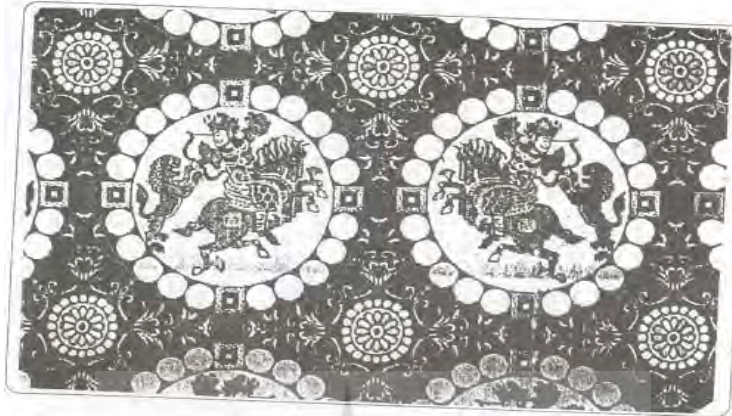
هنر ابریشم‌دوزی ایرانیان دوره ساسانی نیز در دوره امپراتوری سوئی و اوایل حکومت تانگ در چین رونق یافت (Rossabi, 1997: 7-19; Zhao Feng, 2004: 67-77). برای نمونه، قطعه‌ای از پارچه ابریشم‌دوزی شده در گنجینه شوسوین وجود دارد که در آن نقوشی از سوارکاران کمان‌دار در حال شکار شیر دیده می‌شود که شیوه کمان‌گیری آنها همانند شاهان و بزرگ‌زادگان ساسانی بر روی ظروف فلزی، پارچه و نقوش‌های برجسته است (شکل ۴) (Sugimura 2008: 571-573). نقوش این قطعه یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های تلفیق هنر ایران و چین را نشان می‌دهد (Ackerman, 1964: 3074-78). همچنین ظروف شیشه‌ای ساسانی به ویژه کاسه، جام و پارچ بلوری در چین تبدیل به کالایی لوکس و باارزش شده بود. قدیمی‌ترین ظرف شیشه‌ای ساسانی کشف شده در چین، یک جام کروی شکل با برآمدگی‌های

#### 1. Shōsōin

۲. گنجینه شوسوین در ۷۵۶م. توسط شهپانو کومیو (Empress Kōmyō) به یادگار شوهر درگذشته‌اش شومو (Emperor Shōmu) به بودا در معبد تودای جی (Tōdai-ji) در نارا (Nara) تقدیم شد (Sugimura, 2008: 571-572).

۲۶ / مناسبات ایران و چین در دوره ساسانی و تأثیر آن بر فرهنگ چین ... / حمیدرضا پاشازانوس

برنده متعلق به مقبره‌ای به تاریخ ۳۰۷م. از سلسله چین غربی<sup>۱</sup> است (Carter, 2005).

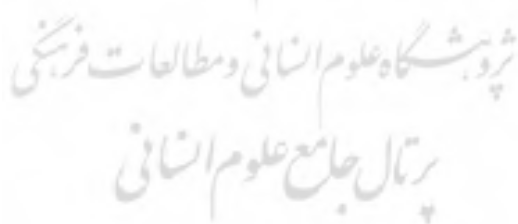


شکل ۴: دو تصویر فوق مربوط به قطعه‌ای از پارچه ابریشم‌دوزی شده در گنجینه شوسوین (Shōsōin) است که دارای نقوشی از سوارکارانی با کمان در حال شکار شیر هستند (Sugimura, 2008).

---

1. Western Chin

از جمله مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرگذاری ایرانیان اواخر دوره ساسانی بر فرهنگ چین، تأثیر ایرانیان بر پوشش درباریان و طبقه نخبه دربار تانگ است. برای نمونه، تأثیر پوشش ساسانیان را می‌توان در مجسمه‌های کوچک مردان پرورش دهنده باز دید. در این مجسمه دو مرد دارای یقه پهن برگشته هستند که پوشش آنها بسیار شبیه به پوشش اندامی دوره ساسانی است. پوشش رقصنده‌ها و نوازندگان دارای آستین چسبان در دربار تانگ، بسیار شبیه به نگاره‌های دختران نوازنده در تصویر مشهور شکار خسرو دوم در طاق بستان است (Mahler, 1959: 20). به احتمال بسیار در دربار تانگ گروهی از نوازندگان ایرانی نیز حضور داشتند (Ibid: 20). همچنین در زمان امپراتور گائو زو (۶۱۸-۶۲۶م)<sup>۱</sup> و امپراتور تائی زونگ (۶۲۶-۶۴۹م)<sup>۲</sup> خادمان کاخ ردایی به مانند ردای بیگانگان سرزمین هو (ایرانیان) می‌پوشیدند که بدن زنان را از نگاه نامحرمان می‌پوشاند (شکل ۵ و ۶). به تدریج زنان طبقه اشراف نیز از آنها تقلید کردند. بعد از سال ۶۵۰م. در اوایل حکومت امپراتور گائو زونگ (۶۵۰-۶۸۳م)<sup>۳</sup> آنها همچنین از «وی مائو»<sup>۴</sup> یک نوع شال که سر و گردن را نیز می‌پوشاند، استفاده می‌کردند (Mahler, 1959: 20).



- 
1. Gaozu (高祖)
  2. Tai Zong (太宗)
  3. Gao Zong (高宗)
  4. (Wei mao)



**شکل ۵:** مجسمه سفالی لعابدار با رنگدانه‌ها متعلق به دوره تانگ. این مجسمه یک زن با پوشش ردای مردانه از نوع ردای ساسانی است که متعلق به سال ۶۶۴ م. است و در جنگ رنتای، لیچوان، استان شانسی (Zheng Rentai, Liquan, Shaanxi) پیدا شده است. این مجسمه ۳۱ سانتیمتر ارتفاع دارد و در سال ۱۹۷۱ در یک مقبره کشف شده است. هم‌اکنون در موزه جاولینگ (Zhao ling) قرار دارد (Watt, 2004: 293).



شکل ۶: سنگ نگاره تاج‌گذاری خسرو پرویز در طاق بستان که در آن خسرو با پوششی از ردای ساسانی دیده می‌شود.

تأثیر پوشش ایران دوره ساسانی در سده‌های هفتم و هشتم در چین به حدی بوده است که در آثار نویسندگان و شاعران دوره تانگ نیز به تصویر کشیده شده است. برای نمونه، در یکی از متون دوره تانگ به نام هسیانگ تا<sup>۱</sup> اشعاری آمده است که در آن توصیفات پوشش ایرانی بیان شده است. برای نمونه، در یک شعر آمده است: «در جامه ایرانی آستین‌ها تنگ است» و در شعری دیگر آمده است: «آستین من چسبیده است به دستم و من با آن خواهم رقصید» (Hsiang Ta, 1957:41-45). در این اشعار علاوه بر توصیف میزان استفاده اشراف و شاهزادگان چینی از پوشش ایرانی و دیگر عناصر فرهنگی ایران، به نوع پوشش و آرایش که از ایرانیان گرفته شده، بسیار انتقاد شده است؛ تا آنجا که این اعتراض‌ها سرانجام در سال ۶۷۱-۶۷۲ م. به فرمان منع استفاده از پوشش و آرایش ایرانیان برای زنان و مردان اشراف دربار تانگ انجامید. در قرن هفتم نیز موسیقی، نوع پوشش و حتی نوع غذا ایرانیان در بین طبقه اشراف چین به اوج محبوبیت رسیده بود؛ به گونه‌ای که در استفاده از آن مردان و زنان چینی از یکدیگر سبقت می‌گرفتند. (Mahler, 1959: 20, 147,149; Pulleyblank,1991: 424-427).

---

1. Hsiang Ta

### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، حوزه فرهنگ نخبگان یا مؤلفه‌های تمدنی برای بحث و بررسی میزان تأثیر فرهنگی ساسانیان بر فرهنگ چین باستان انتخاب شده است؛ زیرا بیشتر داده‌ها و اطلاعات قابل بررسی در بحث تعاملات دو فرهنگ ایران و چین در دوره باستان شامل هنر، معماری، پوشاک، غذاها، هدایایی مانند حیوانات کمیاب و اندیشه‌های دینی و آیینی نخبگان و طبقه حاکم دو جامعه ایران و چین می‌شود. این بررسی مشخص کرده است که تأثیر فرهنگ و هنر ساسانی بر طبقه نخبه چین، از زمان دودمان وی شمالی به واسطه روابط نزدیک بین دو دربار آغاز شده بود تا اینکه در اواخر دوره ساسانی و اوایل دوره تانگ به اوج خود رسید. در این دوره با گسترش تبادلات سیاسی، تجاری و هنری بین ایران و چین، گسترش دامنه نفوذ فرهنگ ایرانی در چین را شاهدیم. به عبارت دیگر، نفوذ فرهنگی ساسانیان در چین را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره نخست مربوط به قبل از حضور دربار تانگ در چین است. از حدود قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم میلادی آثار ساسانی در چین به وفور یافت می‌شود، اما تنها از دوره تانگ یعنی سده‌های هفتم و هشتم بود که نفوذ ساسانیان علاوه بر کالاهای و سکه‌هایشان در چین، شامل فرهنگ نخبگان ایرانی نظیر پوشش، استفاده از کالاهای لوکس و آرایشی و دیگر عناصر فرهنگ ساسانی در دربار و جامعه چین می‌شد؛ تا آنجا که موجب وحشت دربار تانگ از نفوذ بیش از حد فرهنگ ساسانی در چین و صدور فرمان منع استفاده از آثار فرهنگی ساسانی شد. همان‌طور که گفته شد، همگی این موارد از مصادیق فرهنگ نخبگان مطابق تعریف بینز و یافی می‌باشند. نفوذ فرهنگ نخبگان ایران ساسانی تا قرن نهم ادامه یافت؛ سپس به تدریج کم‌رنگ شد و فرهنگ مردمان ترک و آسیای مرکزی نفوذ بیشتری بر فرهنگ نخبگان چین یافت.

### منابع و مأخذ

- جان سین لیان (۱۳۸۶)، متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران: از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری، ترجمه جانگ هونگ نین، تهران: سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده زبان و گویش.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، ویراسته جلال خالقی مطلق، ج ۷، تهران: انتشارات دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- Ackerman, Phyllis. 1964. "Royal Personages on Sasanian Silks," in Arthur Upham Hope and Phyllis Ackerman, eds., *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, 2nd ed., 16 vols., Tehran, XIV, pp. 3068-79.
- Baines, John and Norman Yoffee. 1998. "Order, legitimacy, and wealth in ancient Egypt and Mesopotamia," in G. Feinman and J. Marcus (eds.), *Archaic states* (Advanced Seminar

- Series), Santa Fe: School of American Research Press, pp. 199-260.
- Bussagli, M. 1963. *Painting of Central Asia*, tr. L. Small, Geneva.
  - Carter, M. L. 1995. "A Note on Metalwork from the Hellenistic East," *Bulletin of the Asia Institute* 9, pp. 257-66.
  - Carter, M. L. 2005. "Chinese Iranian Relations xiv. The Influence of Eastern Iranian Art". In: *Encyclopædia Iranica*, Online Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/chinese-iranian-xiv>
  - Ecsedy, I. 1979. "Early Persian Envoys in Chinese Courts," in J. Harmatta, ed., *Studies in the Sources on the History of Pre-Islamic Central Asia*, Budapest, pp. 153-62.
  - Fukai, Shinji. 1968. *Study of Iranian Art and Archaeology: Glassware and Metalwork*, Tokyo.
  - Grabar, O. 1967. "An Introduction to the Art of Sasanian Silver," in *Sasanian Silver: Late Antique and Medieval Arts of Luxury from Iran, exhibition catalogue*, University of Michigan Museum of Art, Ann Arbor, pp. 19-84.
  - Hackin, J. 1936. *Studies in Chinese Art and Some Indian Influences*, London.
  - Harper, P. O. 1990. "An Iranian Vessel from the Tomb of Feng Hetu," *Bulletin of the Asia Institute* 4, pp. 51-59.
  - Hayashi, Ryoichi. 1975. *Shiruku Rōdo to Shōsōin*, tr. Robert Ricketts as *The Silk Road and the Shoso-in*, New York.
  - Hsiang Ta. 1957. *Ch'ang-an of the T'ang dynasty and the culture of the western regions*, enl. ed., Peking.
  - Hsichiu, T., 1992. *Dunhuang Turfan arts series: Dunhuang dancing*. China: Xinjiang Publication industry.
  - Joyce, Rosemary. 2000. "High Culture, Mesoamerican Civilization, and the Classic Maya Tradition," *Order, legitimacy, and wealth in ancient states*, edited by. Janet Richards and Mary Van Buren, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 64-77.
  - Li Zehou (1988), *The Path of Beauty: A Study of Chinese Aesthetics*, morning glory publishers, Beijing.
  - Liu Xu. 1975. "Western Barbarians", *Old Books of the history of Tang Dynasty*, Volume 198, Biographies/lives 148, Beijing.
  - Linghu Defen. 1971. *Zhoushu* (周書/周书), Beijing, Zhonghua shuju, j. 50.
  - Mahler, Jane Gaston. 1959. *Westerners Among the Figurines of the T'ang Dynasty of China*, Rome.
  - Myers, John 1992. *The way of the pipa: structure and imagery in Chinese lute music*. Kent State University Press.
  - Ou Yangxiu, Songqi. 1975. "Western Regions"II, *New Books of the history of Tang Dynasty*, Volume 221(II), Biographies/lives 146(II).
  - Pulleyblank, Edwin G. 1991. "Chinese-Iranian Relations, i in pre-Islamic times". In: *Encyclopædia Iranica*, Vol. V, Fasc. 4, pp. 424-431.
  - Rawson, J. 1984. *Chinese Ornament: The Lotus and the Dragon*, New York.
  - Rawson, J. 1982. *The Ornament on Chinese Silver of the Tang Dynasty (AD 618-906)*, London.
  - Rossabi, M. 1997. "The Silk Trade in China and Central Asia," in *When Silk was Gold*, ed. J. C. Y. Watt and A. E. Wardwell, exhibition catalogue, Metropolitan Museum of Art, New York, pp. 7-19.
  - Siren, Osvald. 1925. *Chinese Sculpture*, Vol. 2, New York.
  - Sugimura, Toh. 2008. "Japan xi. Collections of Persian art in Japan". In: *Encyclopædia Iranica*, Vol. XIV, Fasc. 6, pp. 571-574.
  - Sun Li. 2004. '萨珊银币在中国的分布及其功能 [Distribution of Sassanian Silver Coins and their Functions in China],' *The Chinese Journal of Archaeology*, Vol.1, pp.35-54.

- Van Buren, Mary and Janet Richards. 2000. "Introduction: ideology, wealth and the comparative study of 'civilization'," Order, legitimacy, and wealth in ancient states, edited by. Janet Richards and Mary Van Buren, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 3-12.
- Watt, James C. Y and An Jiayao, Angela F. Howard, Boris I. Marshak, Su Bai, Zhao Feng. 2004. *China: Dawn of a Golden Age, 200-750 AD*, The Metropolitan Museum of Art, New York Yale University Press, New Haven and London.
- Wei Shou 魏收. 1974. *Weishu 魏書*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 102.
- Wei Zheng 魏征. 1973. *Suishu 隋書*, Beijing, Zhonghua shuju, j. 83.
- Wright, Arthur F. 1959. *Buddhism in Chinese History*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Yao Cha, Yao Silian. 1973. *Liangshu*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 54, p. 812.
- Zhang Xinglang. 1977. *The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West (《中西交通史料汇编》)*, Vol. III, Beijing: Zhonghua Book Co.
- Zhao Feng. 2004. "The Evolution of Textiles Along the Silk Road," in: *China: Dawn of a Golden Age, 200-750 AD*, The Metropolitan Museum of Art, New York Yale University Press, New Haven and London, pp. 67-77.
- Zhou Yiliang 周一良. 1992. "Weishu 魏書", in: *Zhongguo da baike quanshu 中國大百科全書, Zhongguo lishi 中國歷史*, vol. 3, Beijing/Shanghai: Zhongguo da baike quanshu chubanshe, pp. 1211-12.



**List of sources with English handwriting**

- Ackerman, Phyllis (1964), "Royal Personages on Sasanian Silks," in Arthur Upham Hope and Phyllis Ackerman, eds., *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, 2nd ed., 16 vols., Tehran, XIV, pp. 3068-79.
- Baines, John and Norman Yoffee (1998), "Order, legitimacy, and wealth in ancient Egypt and Mesopotamia," in G. Feinman and J. Marcus (eds.), *Archaic states* (Advanced Seminar Series), Santa Fe: School of American Research Press, pp. 199-260.
- Bussagli, M. (1963), *Painting of Central Asia*, tr. L. Small, Geneva.
- Carter, M. L. (1995), "A Note on Metalwork from the Hellenistic East," *Bulletin of the Asia Institute* 9, pp. 257-66.
- Carter, M. L. (2005), "Chinese Iranian Relations xiv. The Influence of Eastern Iranian Art". In: *Encyclopædia Iranica*, Online Edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/chinese-iranian-xiv>
- Ecsedy, I. (1979), "Early Persian Envoys in Chinese Courts," in J. Harmatta, ed., *Studies in the Sources on the History of Pre-Islamic Central Asia*, Budapest, pp. 153-62.
- Ferdawsi, Abu'l Qāsim. (1386 Š.), *Šāhnāma*, edited by Jalal Kāleqi-Motlaq, 8 vo., Tehran: Enteshārāt-e Dāerat ul-Ma'āref-e Bozorg-e Eslāmi. [In Persian]
- Fukai, Shinji. (1968), *Study of Iranian Art and Archaeology: Glassware and Metalwork*, Tokyo.
- Grabar, O. (1967), "An Introduction to the Art of Sasanian Silver," in *Sasanian Silver: Late Antique and Medieval Arts of Luxury from Iran, exhibition catalogue*, University of Michigan Museum of Art, Ann Arbor, pp. 19-84.
- Hackin, J. (1936), *Studies in Chinese Art and Some Indian Influences*, London.
- Harper, P. O. (1990), "An Iranian Vessel from the Tomb of Feng Hetu," *Bulletin of the Asia Institute* 4, pp. 51-59.
- Hayashi, Ryoichi. (1975), *Shiruku Rōdo to Shōsōin*, tr. Robert Ricketts as *The Silk Road and the Shoso-in*, New York.
- Hsiang Ta. 1957. *Ch'ang-an of the T'ang dynasty and the culture of the western regions*, enl. ed., Peking.
- Hsichiu, T. (1992), *Dunhuang Turfan arts series: Dunhuang dancing*. China: Xinjiang Publication industry.
- Joyce, Rosemary. (2000), "High Culture, Mesoamerican Civilization, and the Classic Maya Tradition," *Order, legitimacy, and wealth in ancient states*, edited by. Janet Richards and Mary Van Buren, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 64-77.
- Li Zehou (1988), *The Path of Beauty: A Study of Chinese Aesthetics*, Morning Glory publishers, Beijing.
- Liu Xu. (1975), "Western Barbarians", *Old Books of the history of Tang Dynasty*, Volume 198, Biographies/lives 148, Beijing.
- Linghu Defen. (1971), *Zhoushu* (周書/周书), Beijing, Zhonghua shuju, j. 50.
- Mahler, Jane Gaston. (1959), *Westerners Among the Figurines of the T'ang Dynasty of China*, Rome.
- Myers, John (1992), *The way of the pipa: structure and imagery in Chinese lute music*. Kent State University Press.
- Ou Yangxiu, Songqi. (1975), "Western Regions"II, *New Books of the history of Tang Dynasty*, Volume 221(II), Biographies/lives 146(II).
- Pulleyblank, Edwin G. (1991), "Chinese-Iranian Relations, i in pre-Islamic times". In: *Encyclopædia Iranica*, Vol. V, Fasc. 4, pp. 424-431.
- Rawson, J. (1984), *Chinese Ornament: The Lotus and the Dragon*, New York.

- Rawson, J. (1982), *The Ornament on Chinese Silver of the Tang Dynasty (AD 618–906)*, London.
- Rossabi, M. (1997), "The Silk Trade in China and Central Asia," in *When Silk was Gold*, ed. J. C. Y. Watt and A. E. Wardwell, exhibition catalogue, Metropolitan Museum of Art, New York, pp. 7-19.
- Siren, Osvald. (1925), *Chinese Sculpture*, Vol. 2, New York.
- Sugimura, Toh. 2008. "Japan xi. Collections of Persian art in japan". In: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XIV, Fasc. 6, pp. 571-574.
- Sun Li. (2004), '萨珊银币在中国的分布及其功能 [Distribution of Sassanian Silver Coins and their Functions in China],' *The Chinese Journal of Archaeology*, Vol.1, pp.35-54.
- Van Buren, Mary and Janet Richards. (2000), "Introduction: Ideology, wealth and the comparative study of 'civilization'," *Order, legitimacy, and wealth in ancient states*, edited by Janet Richards and Mary Van Buren, Cambridge, Cambridge University Press, pp. 3-12.
- Watt, James C. Y and An Jiayao, Angela F. Howard, Boris I. Marshak, Su Bai, Zhao Feng. (2004), *China: Dawn of a Golden Age, 200-750 AD*, The Metropolitan Museum of Art, New York Yale University Press, New Haven and London.
- Wei Shou 魏收. (1974), *Weishu 魏书*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 102.
- Wei Zheng 魏征. (1973), *Suishu 隋书*, Beijing, Zhonghua shuju, j. 83.
- Wright, Arthur F. (1959), *Buddhism in Chinese History*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Yao Cha, Yao Silian. (1973), *Liangshu*, Beijing: Zhonghua shuju, j. 54, p. 812.
- Zhang Xinglang. (1977), *The Collection of the Historical Materials of Communications between China and the West (《中西交通史料汇编》)*, Vol. III, Beijing: Zhonghua Book Co.
- Zhao Feng. (2004), "The Evolution of Textiles Along the Silk Road," in: *China: Dawn of a Golden Age, 200-750 AD*, The Metropolitan Museum of Art, New York Yale University Press, New Haven and London, pp. 67-77.
- Zhou Yiliang 周一良 (1992), "Weishu 魏书", in: *Zhongguo da baike quanshu 中国大百科全书, Zhongguo lishi 中国历史*, vol. 3, Beijing/Shanghai: Zhongguo da baike quanshu chubanshe, pp. 1211-12.

## Iranian and Chinese Relations in the Sassanid Period and Its Impact on Chinese Culture, Based on the Chinese Sources<sup>1</sup>

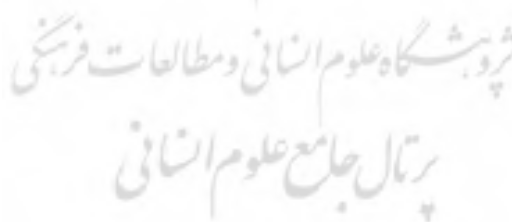
Hamidreza Pashazanous<sup>2</sup>

Received: 2019/11/14  
Accepted: 2020/04/28

### Abstract

In general, Iranian and Chinese Relations in the Sassanid period can be divided into two periods: from the beginning to the reign of Yazdgerd III and from the Yazdgerd rule and the refuge of his descendants to the Tang court in China. Although Iranian and Chinese Relations prior to the reign of Yazdgerd III were important in terms of their impact on Chinese culture, no independent research has been conducted in Iran so far, and only a few articles have examined the overall course of Sino-Iranian relations during the period. This is due to the limited access of Iranian scholars to historical texts and archaeological data in China. Therefore, this article aims to study the relationship between these two civilizations in Sassanid era and the influence of Sassanians on Chinese culture by gathering information from archaeological data and Chinese texts. The main claim of the author is that the political-cultural relations of the Sassanid court with the Chinese dynasties have greatly transferred the Iranian cultural elements and norms into Chinese culture and made impact on it.

**Keywords:** Iran, China, Sasanians, Relations, Culture



---

1. DOI: 10.22051/HII.2020.24421.1912

2. Assistant Professor, Department of History, University of Isfahan; [h.pasha@litr.ui.ac.ir](mailto:h.pasha@litr.ui.ac.ir)  
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN: 2538-3493



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی